

تاریخ دریافت مقاله: ۹۴/۱/۲۰

تاریخ پذیرش نهایی: ۹۴/۶/۲۸

پروین پرتوی<sup>۱</sup>

## پژوهش هنر: از آفرینش اثر هنری تا آموزش و نقد

### چکیده

درحالی که تولید، توزیع و ترویج و گسترش دانش، همواره از مأموریت‌های اصلی دانشگاه‌ها در جهان به شمار می‌آمده، اما همواره پرسش‌های بنیادین درباره شیوه تحقق آن در دانشگاه‌های هنری وجود داشته است. پژوهش علمی که بر نظم، استدلال منطقی و توجه به اعتبار درونی و بیرونی یافته‌ها و اتکاپذیری و پایایی نتایج مبتنی است، در بدو امر، گویای ماهیتی متفاوت با فعالیت‌های هنری است که بیش از هر چیز برگرفته از تفکری واگرا، خلاقانه و حساس نسبت به ماهیت پدیده‌هاست. این مقاله با هدف تبیین و بازشناسی ویژگی‌های پژوهش‌های هنری و ارتباط آن با آفرینش اثر هنری و آموزش هنر تدوین شده است. در این راستا، با بهره‌گیری از روش قیاس تمثیلی و با تکیه بر بازبینی سیستماتیک منابع مرتبط و با استفاده از مفروضاتی که اعتبار آنها هم متکی به شخصیت علمی افرادی بوده که آنها را طرح کرده‌اند و هم با تجربه‌های طولانی نگارنده در زمینه‌های آموزشی، پژوهشی و اجرایی وفق می‌داده است، مقوله‌هایی چون ارتباط پژوهش هنری با طراحی و فعالیت‌های هنری، پژوهش شخصی، پژوهش مبتنی بر نقد و پژوهش رسمی (دانشگاهی) مورد بحث قرار گرفته است. نتیجه بررسی، مؤید شباهت‌های فراوان بین تحقیق و طراحی است، بخصوص آنگاه که بر تفکر واگرا مبتنی بوده و بر بستری از اندیشه‌های خلاق، پویا و سیال شکل گرفته باشند. همچنین مؤید ضرورت پیوند تنگاتنگ آموزش هنر با پژوهش هنری است. آموزش پژوهش‌محور در تعامل دوجانبه استاد و دانشجو در زمینه‌ای پویا، انعطاف‌پذیر و خلاق، زمینه لازم برای پرورش روحیه پرسشگری و تحقیق و بررسی را فراهم می‌سازد. ضرورت شناخت، احترام، پذیرش و سازگاری با تحقیق علمی در معنای رسمی و دانشگاهی آن، ضمن توجه به ویژگی‌های خاص تحقیقات هنری که بیشتر اکتشافی، بینارشته‌ای و همراه با الهام، بصیرت و روشن‌بینی است نیز از دیگر نتایج این بررسی بوده است.

**کلیدواژه‌ها:** پژوهش هنر، پژوهش شخصی، پژوهش مبتنی بر نقد، نقد، طراحی

۱. دانشیار گروه شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر، استان تهران، شهر تهران

E-mail: p.partovi@art.ac.ir

## مقدمه

در حالی که تعداد دانشگاه‌ها و دانشکده‌های هنری کشورمان در سالیان گذشته، روند رو به افزایشی داشته است و هر ساله بر شمار دانش‌آموختگان رشته‌های هنری افزوده می‌شود، هنوز ابهامات زیادی پیرامون مأموریت این نوع دانشگاه‌ها و انتظاراتی که باید در فرآیند تحصیل دانشجویان برآورده گردد وجود دارد. بخشی از این امر ناشی از پیشینه کمتر این دانشگاه‌ها بویژه در بخش تحقیق و توسعه نسبت به دیگر دانشگاه‌هایی است که در حیطه علوم محض و علوم اجتماعی فعالیت می‌نمایند. در حالی که پیشینه تحقیق دانشگاهی در گروه اخیر، با تأکید بر روش علمی [۱] به بیش از ۳۰۰ سال می‌رسد، سابقه این نوع تحقیق در حوزه هنر و طراحی، از ۱۵۰ سال فراتر نمی‌رود. افزون بر این، صرفاً در دهه‌های متأخر است که تغییری بنیادین از موضع هستی-شناختی (چرا هنرمندان باید تحقیق کنند) به موضع روش‌شناختی (هنرمندان چگونه باید تحقیق کنند) صورت پذیرفته است. این امر خود نشان دهنده ضرورت تعریف و شناسایی ارتباط بین «حرفه و پژوهش» [۲] است که رفته رفته به امری مهم و حیاتی در فرهنگ دانشگاهی تبدیل شده است. زندگی در هزاره سوم و تحولات پیش رو نیز الزامات جدیدی را رقم می‌زند. هزاره سوم را عصر «دانایی و توانایی» نامیده‌اند و ویژگی اصلی آن را گذار از اقتصاد صنعتی به عصر اقتصاد و دانش و تأکید بر موارد زیر دانسته‌اند (توفیقی، ۱۳۸۷):

- تولید دانش (پژوهش)
- توزیع دانش (آموزش)
- ترویج دانش (انتشارات)
- تبدیل دانش (اختراع)
- استفاده از دانش (نوآوری)

همان گونه که ملاحظه می‌شود، تولید دانش در صدر موارد یادشده قرار گرفته است؛ به این معنا که این پژوهش و تولید دانش است که در پی آن امکان آموزش، انتشار، اختراع و نوآوری را فراهم می‌آورد. کنشگران اصلی اقتصاد، دانش را نیروهای انسانی برخوردار از دانش، مهارت، توان یادگیری بالا، و قدرت خلاقیت و نوآوری و یا به عبارتی سرمایه‌های انسانی تشکیل می‌دهند. از این منظر، در آموزش دانشگاهی هنر باید با تأکید بر سرمایه‌های انسانی و پژوهش، رابطه‌ای خلاق بین پژوهش، طراحی، فعالیت هنری و آموزش هنر برقرار گردد.

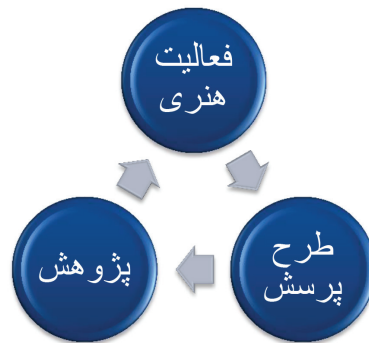
«فعالیت‌های آموزشی هر کشور را می‌توان سرمایه‌گذاری یک نسل برای نسل دیگر دانست.» (بازرگان، ۱۳۸۱، ۹ به نقل از کافمن و هرمن، ۱۳۷۴). بنابراین پژوهشی ژرف در شیوه‌های آموزش، محتوای آموزش و نقد و بازبینی مستمر بر فرآیندها و روش‌ها امری اجتناب ناپذیر است. در این مقاله ابتدا رابطه پژوهش هنر با فعالیت‌های هنری مورد بحث قرار گرفته، سپس پژوهش هنری در سه گروه پژوهش شخصی، پژوهش مبتنی بر نقد و پژوهش رسمی (آکادمیک) به تفکیک شرح داده شده است و در پایان نیز جمع‌بندی مباحث پیش گفته با تأکید بر ذکر ضرورت‌ها، الزامات و محدودیت‌های تحقیق با تأکید بر تحقیق دانشگاهی در مقاطع تحصیلات تکمیلی بیان شده است.

### رابطه پژوهش هنر با فعالیتهای هنری

طبعاً یکی از پیش‌نیازهای اولیه، تعریف «پژوهش» است. آیا باید همان تعریفی که امروزه تحت تأثیر «روش علمی» و نگرش اثبات‌باور از پژوهش ارائه می‌گردد، در دانشگاه‌های هنری نیز در نظر گرفته شود. برای پاسخ به این پرسش، باید به وجوه افتراق و اشتراک فعالیت پژوهشی و فعالیت هنری (با تأکید بر طراحی) پرداخت. فرآیند تحقیق، معمولاً با طرح پرسشی بنیادین شروع شده و با جمع‌آوری داده‌ها، آزمون یافته‌ها، بحث و ارزیابی تداوم یافته و با تکرار چرخه‌ای فعالیت‌ها (بازخورد) ادامه می‌یابد. فرآیند طراحی نیز با تصور و تخیل آغاز گردیده و در مسیری خلاق به ارائه، آزمون و بازآفرینی طرح‌ها ختم می‌گردد. در هر دو مورد، فرآیندهای خلاق و انعطاف‌پذیر وجود دارد و هر دو فرآیند شناسایی مسئله، طی گام‌هایی برای بررسی مسئله و در نهایت ارائه پیشنهاد و راه‌حل را طی می‌نمایند (گروت و وانگ، ۱۳۸۴، به نقل از Press & Cooper, 2003). از نظر زیسل [۳] نیز رابطه نزدیکی میان تصورات ذهنی طراح و مفاهیم پژوهش و ارائه طراحی و فرضیات پژوهش و بین شیوه آزمون در هر دو مورد وجود دارد و لذا وی در کتابش تحت عنوان «تحقیق توسط طراحی»، طراحی را به‌عنوان نوعی روش تحقیق مورد بحث قرار می‌دهد (Zeisel, 1984; cited in Gray & Malins, 2004).

مبنای تحقیق استفاده از کلیه توان‌های عقلانی اعم از تفکر، تعقل، تخیل، و... است و مبنای کار هنری نیز چنین است با این تفاوت که هنرمند از قوای تخیلی و خلاقانه خویش بهره بیشتری می‌برد. [۴]

«بهترین دیزاین‌ها همیشه بر پایه انواعی از تحقیقات شکل گرفته‌اند، زیرا در بهترین حالت، تحقیقات دیزاین، دورنمایی از انسان‌ها، فرهنگ‌ها، احساسات و دیگر عوامل شناختی موجود در حوزه فعالیت دیزاین را برای طراح فراهم می‌کنند.» (صالحی و حسینی اقدم، ۱۳۹۳، ۱۶۶ به نقل از Stone, 2011, 65).

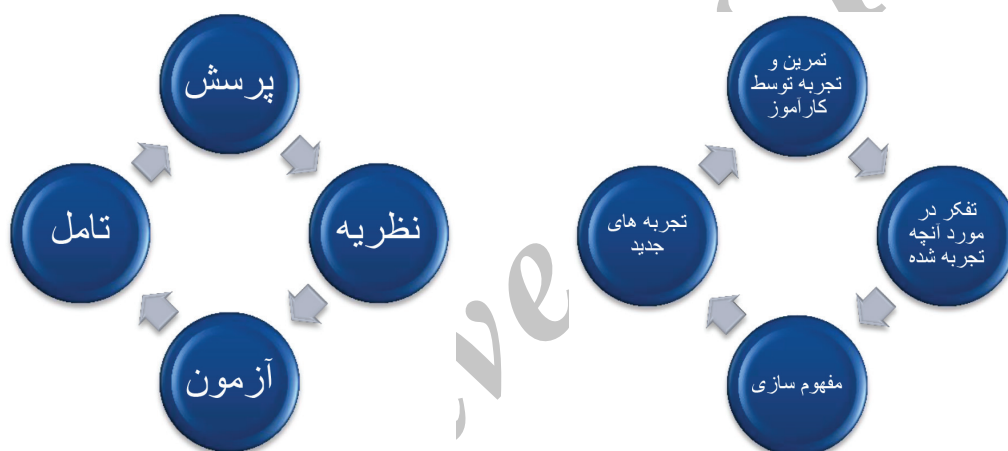


شکل ۱، عمل متأملانه، منبع: Gray & Malins, 2004

تفکر، فرآیندی است که از طریق آن یک بازنمایی ذهنی جدید به‌وسیله تبدیل اطلاعات و تعامل بین خصوصیات ذهنی، قضاوت، انتزاع، استدلال و حل مسئله ایجاد می‌گردد (سولو، ۱۹۹۰ به نقل از حسینی ۱۳۷۸، ۱۸)، و می‌توان آن را در سه گروه منطقی، انتقادی، و خلاق دسته‌بندی نمود. از نظر گیلفورد، تفکر همگرا، همان استدلال یا تفکر منطقی است که به دنبال یک جواب صحیح می‌گردد در حالی که تفکر واگرا یا تفکر خلاق به راه‌حل‌های مختلفی توجه می‌نماید و مهمترین ویژگی‌های آن عبارتند از (پیشین، ۱۹):

- اصالت (ابتکار)
- سیالیت
- انعطاف‌پذیری
- بسط

از این بحث می‌توان نتیجه گرفت که تحقیق و طراحی بویژه هنگامی که بر تفکر واگرا مبتنی باشند، در طی فرآیند خود، شباهت‌های زیادی با هم پیدا می‌کنند و هر دو در صورتی موفق تلقی خواهند شد که بر بستری از اندیشه‌های خلاق، پویا و سیال شکل گرفته باشند. طراحی به‌منزله تحقیق در بهترین حالت، حاصل وحدت مفهومی تمامی قوای ذهنی انسان است و در واقع آثار هنری و معماری ریشه در سطوح متفاوتی از نیروی تعقل انسان دارند. شاید متأثر از همین نگرش باشد که تعریف یونسکو از تحقیق و توسعه این‌گونه آغاز می‌شود: «هر فعالیت خلاق و منسجمی که منجر به افزایش سطح دانش انسان، فرهنگ و جامعه و کاربرد این افزایش دانش در جهت بهبود وضعیت موجود باشد...»



شکل ۳. چرخه یادگیری، منبع: هندی، ۱۳۸۷

شکل ۲. چرخه آموزشی، منبع: Gray & Malins, 2004

البته نکته‌ای که حائز اهمیت است، تنوع و پیچیدگی فرهنگ‌ها و جوامع در دوران معاصر است که خود مبین ضرورت استفاده از روش‌شناسی تکثرگرا بویژه در پژوهش‌های هنری بوده و باید ضمن اثرپذیری از سیستم ارزشی، با نیازمندی‌های جامعه همسو بوده و پویایی و خلاقیت داشته باشد. وجود پارادایم‌ها و نظریه‌های گوناگون در دوران معاصر، ضرورت قرار دادن فرآیند پژوهش - حتی پژوهش‌های علمی - را در بستری سیال و انعطاف‌پذیر و متکی به انواع روش‌ها و تکنیک‌ها و راهبردها (اعم از کمی و کیفی) اجتناب‌ناپذیر نموده است. «ناتوانی در برقراری ارتباط بین هنر شهودی و علم پویا منجر به جداسازی فعالیت دانشگاهی از فعالیت حرفه‌ای و هنری می‌شود. یکی از تبعات این امر تاکنون واگذاری تحقیقات هنری به مورخان، جامعه‌شناسان، روان‌شناسان و... بوده است. در حالی‌که با نگاهی مثبت به تحقیق درمی‌یابیم که تحقیق می‌تواند تجربه‌ای متحول‌کننده باشد، تجربه‌ای که هنرمندان را به انسان‌های خلاق و نقاد تبدیل می‌کند» (Gray & Malins, 2004).

البته نباید اصراری بر قرار دادن طراحی در زیر چتر تحقیق (و یا برعکس) صورت بگیرد. سرشت این دو حوزه به‌گونه‌ای پیچیده، ریشه در بخش‌های مختلفی از خرد انسان دارد. اما باید در جست‌وجوی راه‌های پیوند این دو بود (گروت، وانگ، ۱۳۸۴، ۱۱۷). امروزه این امر ثابت شده است که حرفه بدون رشته (دیسپلین) به ضعف می‌گراید و رشته بدون بهره‌گیری از تجارب حرفه‌ای به ورطهٔ انتزاع و دوری از واقعیت می‌افتد و لذا ارتباط و تعامل متقابل حرفه و رشته، ضامن اعتلای هر دو خواهد بود. عموماً چنین گفته می‌شود که آموختن هنر و طراحی فرآیندی تجربی است. ضمن تأیید این گزاره، ذکر این نکته ضروری است که «تجربه فعال همراه با تفکر درباره آن تجربه» [۵]، می‌تواند رابطه‌ای پویا بین عمل و پژوهش ایجاد کند. «کار حرفه‌ای پرسش‌هایی را برمی‌انگیزاند که پاسخ آنها غالباً از طریق پژوهش قابل دستیابی است و این فرآیند به‌نوبهٔ خود بر عمل و حرفه اثر می‌گذارد» (Gray & Malins, 2004).

«نگاه کردن به کار خلاق یک هنرمند، به معنی پذیرفتن هم نقش خلاق و هم نقش اندیشمندانه اوست» (Douglas, 1994, 45 cited in Gray & Malins, 2004). حتی لحظه‌های ناب اشراق و شهود و الهام، متکی به بینشی عمیق از جهان هستی و ذهنی پرتجربه و کاوشگر است. یکی از مثال‌های بارز، لئوناردو داونچی هنرمند و طراح ایتالیایی است. او از تفکر بصری برای بررسی طیف گسترده‌ای از مسائل در رشته‌های گوناگون اعم از گیاه‌شناسی، آناتومی، برنامه‌ریزی شهری، دینامیک‌های سیال و... استفاده می‌کرد. او هنر را مهارت و علم را دانش می‌دانست و به هر دوی آنها به عنوان عناصری وابسته به هم توجه داشت. ترسیم‌های داونچی در دفتر طراحی‌اش توجه به موارد زیر را نشان می‌دهد (Gray & Malins, 2004, 94):

- دقت و تحلیل [۶]
  - فهم و شناخت [۷] فرم و ساختار
  - جست‌وجوی عملکرد و ارتباط متقابل [۸]
  - حساسیت به ماهیت پدیده‌ها، مواد و ویژگی‌های آنها [۹]
  - بیان و ترکیب پویا [۱۰]
  - استفاده مناسب از وسایل و رسانه‌های گوناگون [۱۱]
  - انباشت و افزودن به اطلاعات در یک فرآیند بررسی دائمی [۱۲]
- در واقع می‌توان فعالیت هنری و پژوهشی داونچی را در زمرهٔ اولین نمونه‌های منسجم از روش‌شناسی تحقیق بصری دانست. «در حوزهٔ مشاهدهٔ علمی، رخدادها به‌نظر کسانی می‌آیند که آمادهٔ دیدن آنها هستند» (لوئی پاستور به نقل از Mathews & Taylor, 1998). تفکر ادراکی به بصری بودن و عینیت‌بخشی گرایش دارد و لذا هنر و پژوهش می‌توانند متقابلاً همدیگر را کامل کنند.

«امروزه نیاز است تا پلی بین عمل و نظریه زده شود تا نظریه تنها به‌عنوان منبعی که به خود ارجاع می‌دهد باقی نماند و از دیگر سوی، عمل فراتر از شهود و کشف ناگهانی برود». (صالحی و حسینی اقدم، ۱۳۹۳، ۱۶۶).

## انواع پژوهش هنری

بر اساس بررسی انجام شده توسط داگلاس، اسکوپا و گری، می‌توان سه نوع متفاوت پژوهش هنری را تشخیص داد (Douglas et al, 2000):

- پژوهش شخصی [۱۳]
- پژوهش مبتنی بر نقد
- پژوهش رسمی / آکادمیک

### الف) پژوهش شخصی

پژوهش شخصی، توسط هنرمندان در خلال آفرینش اثر هنری و به صورت تلویحی صورت می‌پذیرد و لذا با توجه به تأکید هنرمند/ پژوهشگر بر چگونگی انجام کار و نه چرایی آن، مشکل بتوان سهم و اثر این نوع تحقیق را بر رشته مربوطه مشخص نمود. این نوع پژوهش بیشتر بر ارائه بصری یا دیداری متکی است تا بر متن نوشتاری و مشابه اقدامات پژوهش و توسعه [۱۴] معمولاً نتایج فرایند پژوهش انتشار نمی‌یابد، اما گاه در اثر یا پروژه نهایی مشهود است و در صورت انتشار اثر، مخاطب شامل دیگر هنرمندان و افراد ذربط (علاوه بر خود هنرمند) خواهند بود. نتایج این نوع تحقیق، معمولاً نه بر اساس قواعد پژوهشی، بلکه بر اساس شیوه‌ها و اسلوب‌های حرفه‌ای در قالب کتاب‌های اسکیس، استوری بوردها و ... ارائه می‌گردد.

شناخت دانش و پژوهش تجسم‌یافته در یک اثر هنری، به جامعه پژوهشی‌ای متکی است که توان شناسایی آثار و دریافت پژوهش نهفته در آن را داشته باشد. این نوع بررسی غالباً توسط منتقدان، تاریخ‌نویسان و نظریه‌پردازان صورت می‌گیرد، از این روی، اثر این نوع تحقیق (به عنوان یک ایده یا دانش نوین) منوط به میزان توجه و توانایی افراد یادشده خواهد بود.

### ب) پژوهش نقادانه

تحقیق در این حوزه، دست کم به دو شکل ظاهر می‌شود:

- به مثابه ابزاری برای توسعه و بسط شیوه‌های نوآورانه و خلاقانه
- به صورت بحث درباره شیوه‌های ارتباطی با مخاطب اثر هنری

انگیزه نهفته در این نوع پژوهش، به چالش کشیدن حرفه [۱۶] جهت تطابق با رویکردهای نوین خلاقیت است، رویکردهایی که ماهیتاً نقادانه و تجربی هستند. این انگیزه متعاقب نیاز به بسط روش‌های مناسب کار در درون فرهنگی که به طور مداوم در حال تغییر و بازبینی ارزش‌های خود است به وجود می‌آید. این فرهنگ همیشه در حال تغییر، زمینه‌ای را شکل می‌دهد که در آن مباحث نقادانه شکل گرفته و آثار هنری به چالش کشیده می‌شوند. این نوع پژوهش نیز همچون «پژوهش شخصی» در نمونه‌های انفرادی (آثار هنری) تجسم می‌یابد و در جمع‌های تخصصی عمدتاً در قالب پنل‌های بحث و گفت‌وگو (هنرمند با منتقدان و...) مورد بحث قرار می‌گیرد و در واقع به نوعی، بازتاب دهنده «پژوهش شخصی» است. البته پژوهش نقادانه به این حوزه از نقد منحصر نمی‌ماند و تحقیقات رسمی و آکادمیک را نیز دربرمی‌گیرد. «هیچ نقدی نمی‌تواند به همه ابعاد یک اثر بپردازد و هر نقدی خود یک تقلیل است. تقلیل به بخشی از اثر، تقلیل به نگرشی خاص به یک اثر. اما با این حال گریزی از نقد نیست، زیرا اگر نقد، تقلیل یک اثر است، در مقابل، تعمیق یک شناخت (نیز) هست» (نامور مطلق، ۱۳۸۶، ۷۰).

### پ) تحقیق رسمی / آکادمیک [۱۷]

زمینه اصلی این نوع تحقیق، محیط دانشگاهی است و در واقع پاسخی است به تغییرات

فرهنگی که حرفه، عمل و روش‌های آموزش و تربیت دانشجویان را تحت تأثیر قرار می‌دهد و طبعاً باید دربرگیرنده روش‌هایی باشد که به‌مثابه یک زبان مشترک و آکادمیک (عام) در جامعه دانشگاهی پذیرفته شده و معتبر باشد؛ به‌گونه‌ای که بتواند ضمن مشارکت در بسط بدنه دانش مربوطه، موجب ارتقای حرفه و رشته نیز گردد و از توان برانگیختن مباحثه‌های جدید در حوزه‌ها و رشته‌های گوناگون برخوردار باشد.

نکته مهم آن است که تعداد کمی از هنرمندان در حوزه هنرهای زیبا از قواعد پژوهشی آگاهی کافی دارند و بسیاری از فعالیت‌هایی که در حال حاضر در این حوزه به‌عنوان تحقیق انجام می‌شود، در دیگر رشته‌ها در چارچوب آکادمیک و دانشگاهی به رسمیت شناخته نمی‌شود. گرچه تحقیق هنری از دیگر انواع تحقیق در حوزه‌های علمی متمایز است، اما نباید فراموش کرد که شروط لازم برای تحقیق از جمله طرح پرسش‌های نظام‌یافته، تبیین اهمیت و ضرورت موضوع، طرح مسیرهای مناسب برای پاسخگویی به سؤالات و ضرورت توجیه نحوه مشارکت در توسعه و بسط دانش در هر دو گروه یکسان است. کراس ویژگی‌های یک فعالیت پژوهشی خوب را در موارد زیر خلاصه کرده است (Douglas et al, 2000):

- هدفمند [۱۸]
- جست‌وجوگر [۱۹]
- آگاهی‌بخش [۲۰]
- روشمند [۲۱]
- ارتباط‌پذیر [۲۲]

می‌توان گفت که «پژوهش هنری یک سفر اکتشافی است که محقق از طریق آن می‌تواند سهمی کوچک اما پرمعنا در درک هنر و طراحی از منظر تحقیق داشته باشد» (Gray & Malins, 2004). سخن از ضرورت قرار گرفتن در یک چارچوب غیرمنعطف و از پیش تعیین شده نیست، بلکه تأکید بر ضرورت شناخت، احترام، پذیرش و سازگاری با فرآیند تحقیق علمی است. ضمن آنکه ویژگی‌هایی چون پویایی خلاق، انعطاف‌پذیری، دید انتقادی، رویکرد بینارشته‌ای و بهره‌گیری از تخیل و بصیرت می‌تواند جنبه‌های بدیع و نوآورانه‌ای به پژوهش‌های هنری ببخشد. در واقع مراحل تحقیق (فرآیند) مهمتر از محصول کار (برون‌داد) است و یا به‌عبارتی سفر جذاب‌تر از مقصد است. دانستن اینکه چگونه تحقیق کنیم بسیار بارزتر از نیل به بخشی خاص از دانش است. به قولی «دانش امروز، لطیفه فرداست» [۲۳] (Gray & Malins, 2004).

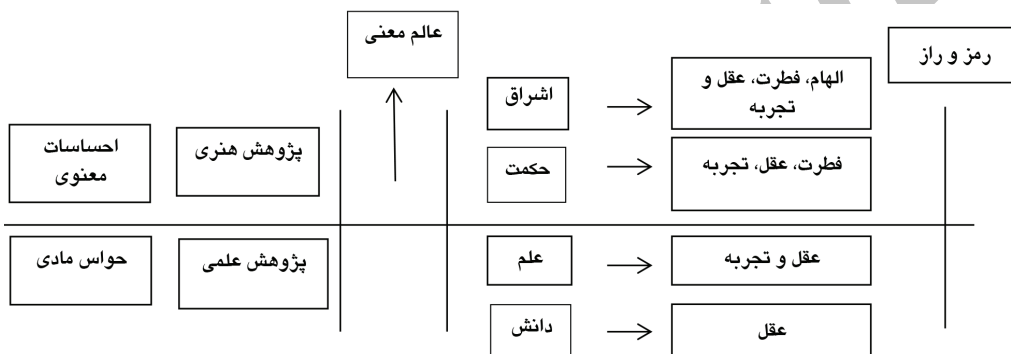
آشنایی دانشجویان و استادان دانشگاه‌های هنری با مهارت‌های روش‌شناسانه و به‌کارگیری آنها امری اجتناب‌ناپذیر است. ضمن آنکه خود روش نیز همواره دستخوش پویایی و تغییر است و به تناسب پارادایم‌ها و رویکردهای موضوع‌های تحقیق، تغییر می‌کند. گاستون باشلار به نقل از گوته می‌گوید: «هر کس که در پژوهش پایداری دارد سرانجام دیر یا زود به جایی می‌رسد که روشش را تغییر می‌دهد» (نامور مطلق، ۱۳۸۶، ۵۹). انعطاف‌پذیری روش و یا ترکیب روش‌ها چیزی است که امروزه ضرورت اقدام به آن در پژوهش‌های علوم انسانی و هنر محرز گشته است. ویژگی‌ای که به آن «سه‌سویه‌سازی» نیز می‌گویند.

بدیهی است که تحقیق در حوزه هنر، مستلزم استفاده از فنون و شیوه‌های خاصی است. از میان این شیوه‌ها می‌توان به مواردی چون مدل‌سازی، شبیه‌سازی، اسکیس، مدل‌های سه‌بعدی و ماکت‌ها، یادداشت مشاهدات، عکاسی، فیلمبرداری، صدابرداری، آزمایش با مواد و مصالح،



استفاده از استعاره و تشبیه و قیاس، استوری بردها و روایت‌های تصویری، نمایشگاه‌های هنری، ابزارهای چندرسانه‌ای اشاره نمود که بیان یافته‌ها و نتایج تحقیق را بسیار ملموس می‌سازند و شاید بتوان گفت از این جنبه حتی می‌توانند به انجام و ارائه تحقیقات علمی نیز بسیار کمک نمایند. برخی از صاحب‌نظران یکی از وجوه تمیز پژوهش هنری از پژوهش علمی مرسوم را قرار داشتن گروه اول در حوزه اشراق و حکمت و گروه دوم در حوزه علم و دانش می‌دانند. شکل ۴ مبتنی این افتراق است.

در صورتی که دسته‌بندی ذکر شده برای انواع پژوهش هنری (پژوهش شخصی، پژوهش نقادانه و پژوهش رسمی و دانشگاهی) مورد پذیرش باشد، آنگاه شاید بتوان گفت که پژوهش شخصی بیش از همه در چارچوب یادشده قرار می‌گیرد. اما بدیهی است که دو نوع بعدی، بویژه با توجه به موضوع بررسی، می‌توانند جنبه پژوهش علمی (با رنگ و بوی خاص خود) را نیز به خود بگیرند.



شکل ۴، درجات مختلف ادراک و شناخت برای خلق مصنوعات بشری (آفرینش هنری) که از طریق روش‌های مختلف پژوهش امکان‌پذیر است (مأخذ: اسلامی، ۱۳۸۶، ۳۵)

شاید ارائه تعریف دانشگاه هنر لندن از پژوهش (۲۰۱۱) را بتوان تأییدی بر این مدعا دانست: «پژوهش از نظر RAE24 به-عنوان یک بررسی اصیل و بدیع (Original) محسوب می‌گردد که به‌منظور کسب دانش و شناخت صورت می‌پذیرد. از این منظر، پژوهش شامل کار بر روی نیازهای مستقیم و مرتبط بخش تجارت، صنعت و بخش‌های عمومی و داوطلبانه [۲۵]، و همچنین پژوهش‌های مبتنی بر دانش پژوهی، [۲۶] ابداع و تولید ایده‌ها، تصاویر (ایماژها)، اجراها و مصنوعات و دست‌ساخته‌ها همراه با طراحی است که در نهایت منجر به دریافت‌ها و بصیرت‌های جدید و یا از نظر محتوایی ارتقا یافته گردد. پژوهش همچنین شامل کاربرد دانش موجود در حوزه تجربی است. به‌منظور ایجاد مواد، وسایل، محصولات و فرآیندهای جدید در کنار طراحی و ساخت و ساز. این پژوهش موارد زیر را در برنمی‌گیرد: آزمون و تجزیه و تحلیل عادی و متداول مواد و مصالح، قطعات و اجزا و فرآیندهایی را که به‌منظور حفظ استانداردهای ملی صورت می‌گیرد همچنین بسط و گسترش آموزش مواردی که تحقیق اصیل را تجسم نمی‌بخشند.»

بویر در کتاب «نگاهی دوباره به دانشوری» قائل به فهمی چندبعدی از دانشوری (دانش پژوهی) است که می‌تواند پاسخگوی دوگانگی موجود در دسته‌بندی سنتی تدریس و تحقیق باشد. او همچنین به اتفاق مینگانگ در کتاب *آینده‌ای نو برای آموزش و حرفه معماری* برای فهم بهتر



دانشوری تقسیم‌بندی زیر را از دانشوری ارائه می‌نماید (به نقل از گروت و وانگ، ۱۳۸۴، ۳۷۵):

- دانشوری اکتشاف: به این معنا که تحقیق هنری در بسیاری از زمینه‌ها اکتشافی (همراه با الهام، بصیرت و روشن‌بینی) است؛

- دانشوری یکپارچگی: به معنای ارزش دادن به ماهیت میان‌رشته‌ای پژوهش؛
- دانشوری کاربرد: به معنای چگونگی کاربرد دانش در حل مشکلات و ارائه خدمات به جامعه؛
- دانشوری تدریس: به معنای تبادل ایده‌ها با دانشجویان و یا به عبارتی آموزش پژوهش‌محور. این امر را نمی‌توان انکار نمود که تحقیق بهترین مکانیسم برای افزایش آگاهی از منابع کاربردی، انتقادی و مفهومی برای تجزیه و تحلیل و تفسیر ایده‌ها و توسعه استراتژی‌های خلاق فرهنگی است. و در این راستا، آموزش تفکر نقادانه مهارت کلیدی لازم برای انجام تحقیق توسط دانشجویان به‌ویژه در مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری است و بسط انواع دانش‌پژوهی به شرحی که گفته شد می‌تواند مکانیسم لازم برای تحقق این امر را فراهم سازد.

موارد زیر را می‌توان از جمله فواید انجام تحقیق آکادمیک در حوزه هنر دانست (Gray & Malins, 2004, 39):

- بسط و گسترش روش‌های متنوع فعالیت حرفه‌ای؛
- بسط و گسترش نگرش بینارشته‌ای و در نتیجه امکان برقراری ارتباط مناسب‌تر با سایر حوزه‌های علمی؛
- امکان پیشرفت در تخصص و حرفه از طریق فرآیند خود ارزیابی. [۲۷]

### نتیجه‌گیری

هدف اصلی از تدوین این مقاله، تبیین ضرورت توجه به تحقیق و فرآیند نظام‌مند آن در پژوهش‌های هنری بوده است. تجربه بیش از ۲۰ سال آموزش درس «روش تحقیق» در رشته‌های گوناگون هنری در مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری، این امر را ثابت نموده است که اولاً غالب دانشجویان با روش تحقیق به‌طور اعم و روش تحقیق در هنر به‌طور اخص آشنایی کافی ندارند و ثانیاً در فضای دانشگاهی هنر، علاقه و یا باور به تحقیق هنری آنقدر نبوده که بتواند موجب فرهنگ‌سازی تحقیق و توسعه دانش در این زمینه گردد. متأسفانه هنوز هم در زمینه هنر ایران استناد به تحقیقات کسانی صورت می‌گیرد که غالباً خود ایرانی نبوده‌اند.

موانعی چون نبودن پیشینه تحقیقاتی کافی و غنی درباره هنر ایران، ضرورت صرف وقت بیش از اندازه برای گردآوری اطلاعات (به دلیل فقدان بررسی‌های پیشین)، پیش‌داوری‌های غیرعلمی در نتایج تحقیقات انجام شده، بها ندادن به پژوهشگران جوان، ناکارآمدی برنامه‌های آموزشی و پژوهشی دانشگاه در راستای ایجاد فضایی پویا و خلاق و توجه نکردن به کاربردی نمودن نتایج تحقیقات (در کنار ضرورت توجه به تحقیقات نظری) از اهم مواردی بوده است که در به وجود آمدن شرایط کنونی دخیل بوده است.

منشأ هر تحقیق، پرسش و پرسشگری است و پرسش متعاقب «شناخت» رخ می‌دهد و لذا آموزش نیز باید در قالبی خلاقانه، تعاملی و پرسش‌برانگیز ارائه گردد و اینجاست که پیوستگی این دو - آموزش و پژوهش - جهت نیل به مقصود نهایی که همانا «فرهنگ‌سازی روحیه تحقیق و تتبع» دانشجویان و آشنایی با تفکر خلاق است، آشکار می‌گردد. در آموزش هنر و طراحی،

دانشجویان اغلب به هوشیاری و تفکر نقادانه تشویق می‌گردند، اما مهارت‌های نقد به خوبی به آنها آموزش داده نمی‌شود. در این میان یکی از مراحل بسیار مهم تدوین پایان‌نامه تحصیلی در مقاطع تحصیلات تکمیلی است که حداقل دارای سه ویژگی زیر است (عراقی، ۱۳۷۴، ۸۰):

• اولین تجربه در تحقیقات دانشگاهی (آکادمیک) به‌شمار می‌آید. دانشجو می‌تواند با یک نوع تلاش پژوهشی و جامعیت مورد نیاز در تحقیق آشنا شود و این مقدمه‌ای برای کار تحقیقی دوره دکتری باشد؛

• می‌تواند دانشجو را دست کم در یک جنبه از موضوع حرفه‌ای یا آکادمیک ماهر سازد؛

• می‌تواند به‌عنوان یک واحد مهم تحقیق پیشرفته مطرح باشد.

در صورتی که معیارهای یادشده که البته تنها معیارهای ممکن نیستند، جهت ارزیابی فرآیند تدوین پایان‌نامه در مقاطع تحصیلات تکمیلی هنر به‌کار گرفته شوند، میزان موفقیت این فرآیند آشکار خواهد گردید. گرچه امکان قضاوت علمی در این زمینه در مقاله حاضر وجود ندارد، ولی شواهد و قراین تا حدود زیادی حاکی از تحقق نیافتن این معیارهاست.

یکی از نکاتی که در مقاله مورد تأکید بوده است ضرورت شناخت، احترام، پذیرش و سازگاری با تحقیق علمی بوده است. از این منظر شناخت به‌معنای آشنایی با شیوه‌های پرسشگری، شیوه‌های طرح مسئله و حل مسئله، توانایی تشخیص نیازها و مجهولات است؛ احترام هم به‌معنای احترام به پژوهشگران و تأمین مادی و روحی ایشان، تأمین امکانات لازم برای انجام تحقیق و شادابی فضای تحقیق بوده و هم به‌معنای توجه پژوهشگران به اعتبار و روایی [۲۸] نتایج تحقیق و ضرورت شناخت از طریق کندوکاوی منظم و نظام‌مند است. پذیرش به‌معنای پذیرش ضرورت انجام تحقیق برای تصمیم‌سازی صحیح و شناخت عمیق‌تر پدیده‌ها و نیل به بینش و همچنین تقاضامدار شدن پژوهش توسط نهادهای ذیربط است. سازگاری به‌معنای تلاش برای فرهنگ‌سازی و نهادینه کردن تحقیق است که طبعاً ایجاد آن نباید منحصر به فضای دانشگاهی گردد و لازم است این تلاش از کودکی و از آموزش ابتدایی آغاز گردد.

ملاحظه می‌گردد که نیل به این اهداف مستلزم همکاری و هماهنگی کلیه عوامل دست‌اندرکار تحقیقات، اعم از پژوهشگران، مدیران اجرایی و کارشناسان، نهادها و سازمان‌های ذیربط است. بدیهی است که این تعامل باید در یک بستر فرهنگی پویا و با توجه به ارزش‌ها، هنجارها و نیازهای جامعه صورت پذیرد. مفهوم هنر در دنیای امروز با پژوهش عجین است و صرفاً به‌معنای تجربه‌ای زیبایی‌شناختی نیست. بدیهی است که چندوجهی بودن ماهیت آثار هنری، امکان شناخت آن را در قالب‌های تک‌بعدی و تنگ‌نظرانه ناممکن می‌سازد و لذا بهره‌گیری از ترکیبی از راهبردهای کمی و کیفی، استفاده از شیوه‌های متنوع جمع‌آوری اطلاعات، و توجه به تأویل و تفسیر داده‌ها و سعی در نیل به تفاهم بین‌ذهنی [۲۹] (اشتراک بین‌الذهان) جهت اعتباربخشی به یافته‌ها، به‌عنوان مختصات و پیش‌نیازهای تحقیق در حوزه هنر نباید مورد غفلت قرار گیرد.

افزون بر این، شناسایی تأثیر آثار هنری بر انسان‌ها و مطالعه بازتاب‌های ذهنی آنها نسبت به سبک‌های مختلف هنری به شناخت رابطه چندبعدی تجربه انسانی و آثار هنری انجامیده و در نهایت به آفرینش آثار هنری غنی‌تر و لبریز از معانی مدد می‌رساند. از این روی، حوزه پژوهش هنر صرفاً به تحقیقات دانشگاهی منحصر نبوده و خلق اثر هنری را نیز متأثر می‌سازد. امروزه ثابت شده است که بهترین رابطه بین کار حرفه‌ای و رشته دانشگاهی از طریق پژوهش نظام‌یافته جامعه عمل به خود می‌پوشد و اعتلا و بالندگی حرفه و رشته به‌واسطه پژوهش تحقق می‌یابد.

از اینروست که بسیاری کشورها قائل به ضرورت یک فاصله زمانی بین دوره کارشناسی و ورود به دوره‌های تحصیلات تکمیلی هستند؛ با این پیش‌فرض، که انجام کار حرفه‌ای موجب آشنا شدن با چالش‌ها، پرسش‌ها و خلأهایی می‌گردد که در پی آن، یافتن پاسخ آنها از طریق ورود به دوره‌های تحصیلات تکمیلی و انجام پژوهش‌های سازمان‌یافته و نظام‌مند ممکن می‌گردد و به این ترتیب، بین عمل مبتنی بر پژوهش و پژوهش مبتنی بر عمل پیوند مناسبی ایجاد می‌شود. بدیهی است که هرچه از پژوهش شخصی (در خلال خلق اثر هنری) به سمت پژوهش رسمی و آکادمیک برویم، جنبه‌های روش‌شناختی آن و ضرورت تبعیت از استانداردهای شناخته شده تحقیق بیشتر می‌شود. البته نباید فراموش کرد که «انعطاف‌پذیری به معنای عدم تأکید بیش از اندازه بر روش و تمرکز بر محتوا و سعی در ایجاد موازنه بین توصیف و تفسیر پدیده مورد بررسی» (پرتوی، ۱۳۸۶، ۱۸)، از ویژگی‌هایی هستند که رنگ و بوی خاصی به تحقیقات هنری می‌بخشند.

### پی‌نوشت‌ها

۱. Scientific method
۲. Practice/research
۳. Zeisel
۴. از دیدگاه امانوئل کانت، تجربه زیباشناختی حتی اگر به شکل کامل با فرمول‌ها، واژه‌ها یا صور دیگر ارتباطی قابل تعریف نباشد، باز هم در حوزه عقلانیت قابل تبیین است (به نقل از گروت و وانگ، ۱۳۸۴)
۵. (Reflective practice) تجربه فعال همراه با تفکر درباره آن تجربه
۶. Accuracy and analysis
۷. Understanding
۸. Exploration
۹. Sensitivity
۱۰. Dynamic
۱۱. Appropriate use
۱۲. A buildup of information
۱۳. Personal research
۱۴. Research & Development
۱۵. Research as critical practice
۱۶. Profession
۱۷. Formal research
۱۸. Purposive
۱۹. Inquisitive
۲۰. Informed
۲۱. Methodical
۲۲. Communicable
۲۳. برای مثال، در یک دوره زمانی، اینکه زمین مسطح و مرکز جهان است، واقعیت تلقی می‌شد.
۲۴. Research assessment exercise (in Britain)
۲۵. Voluntary
۲۶. Scholarship
۲۷. Self-Evaluation
۲۸. Validity & Reliability
۲۹. Intersubjectivity

## فهرست منابع

- اسلامی، غلامرضا (۱۳۸۶) «پژوهش در حوزه هنر و علم: شباهت‌ها و تفاوت‌ها»، *پژوهشنامه فرهنگستان هنر*، ۳، ۲۴-۳۶.
- بازرگان، عباس (۱۳۸۱) *ارزشیابی آموزشی*، چاپ دوم، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- پرتوی، پروین (۱۳۸۶) «تحقیق کیفی در مطالعات هنری با تأکید بر شیوه‌های گردآوری داده‌ها، تحلیل محتوا و تجزیه و تحلیل تطبیقی»، *پژوهشنامه فرهنگستان هنر*، ۳، ۹-۲۳.
- توفیقی داریان، جعفر (۱۳۸۸) «ضرورت ارتقای کیفیت در آموزش عالی»، *نشریه صنعت و دانشگاه*، سال دوم، ۵ و ۶، ۵-۱۰.
- حسینی، فضل‌السادات (۱۳۷۸) *ماهیت خلاقیت و شیوه‌های پرورش آن*، چاپ اول، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- فدایی عراقی، غلامرضا (۱۳۷۴) «تحلیلی بر روش‌های تهیه پایان‌نامه‌های دوره کارشناسی ارشد و دکتری»، *فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی*، ۱، ۷۷-۱۱۰.
- صالحی، سودابه؛ حسینی اقدم، سولماز (۱۳۹۳) «رویکرد مبتنی بر پژوهش در فرآیند گرافیک دیزاین»، *فصلنامه نقد کتاب*، سال اول، ۱ و ۲، ۱۵۷-۱۶۶.
- گروت، لیندا؛ دیوید وانگ (۱۳۸۴) *روش تحقیق در معماری*، ترجمه دکتر علیرضا عینی‌فر، تهران: چاپ و انتشارات دانشگاه تهران.
- نامور، مطلق (۱۳۸۶) «باشلار، بنیانگذار نقد تخیلی»، *پژوهشنامه فرهنگستان هنر*، ۳، ۵۷-۷۲.
- هندی، چارلز (۱۳۸۷)، *عصر سنت‌گرایی، مدیریت و سازمان در قرن بیست و یکم*، ترجمه عباس فجر، چاپ چهارم، تهران: انتشارات طرح نو.
- Douglas, A; K. Scopa & C. Gray (2000) "Research Through Practice: Positioning the Practitioner as Researcher", *Working papers in Art and Design*, Retrieved from URL: <http://www.herts.ac.UK/artdes/research/papers/wpades/Vol1/doughlas.2.html>
- Gray, C & Malins, J. (2004) *Visualizing Research: A Guide to the Research Process in Art and Design*, England: Ashgate Publishing Limited.
- Janesick, Valerie J. (1994) "The Dance of Qualitative Research Design: Metaphor, Methodology and Meaning" in *Norman K Denzine & YonnaS.Lincoln* (Eds.) *Handbook of Qualitative Research*", California: Sage.
- Jewesbury, D. (2009) "Some Problems with Research in UK Fine Art Institutions", *Art & Research*, Vol. 2; No. 2, Spring 2009, retrieved from URL: <http://www.artandresearch.org.UK/v2n2/jewesbury.html>
- Mathews, E. H.; Taylor, P. B. (1998) *Making the Researcher's Life Easier with Research Toolbox*, retrieved from URL: <http://www.researchtoolbox.com>.